

«رستم در کنار سپه‌راب در حال مرگ» از شاهنامه فردوسی. امضا شده توسط معین منصور، صفویان، اصفهان

تغییر و تحول، رعایت
 پرسپکتیو صحیح و ایجاد
 بعد بیشتر در فضا، در مقابل
 حفظ ترکیب بندی سنتی،
 تصاویر گوناگون این
 گروه را به نسبت های
 مختلف به طبیعت نزدیک
 کرده است

نکیسا چون زد این طیاره بر چنگ
 ستای^۲ بارید برداشت آهنگ
 به آواز حزین چون عذرخواهان
 روان کرد این غزل را در سپاهان...

نکیسا چون زد این افسانه بر ساز
 ستای بارید برداشت آواز
 نوا را پرده عشاق آراست
 درافگند این غزل را در ره راست:
 مرا در کویت ای شمع نکویی
 فلک پای بز افکنده است گویی

فرخی نیز از شاعرانی بوده است که گاه شعر خود را با ساز و آواز می خوانده است، چنان که گوید:

گاه گفתי بیا و رود بزن
 گاه گفתי بیا و شعر بخوان
 به غزل یافتم همی احسنت
 به ثنا یافتم همی احسان

آمیختگی غزل با موسیقی نیز مخصوصاً در نزد صوفیه معمول بوده است. مولانا رومی گاهی فی البداهه در مجلس سماع غزلی می گفته است و قوالان آن را می خوانده اند.

گاهی در اواسط یا اواخر غزل خطاب به مطرب می گوید که بقیه غزل را بر همین وزن و آهنگ و منوال بزن:

نکیسا در ترنم جادوی ساخت
 پس آن گه این غزل در راهوی ساخت
 بساز ای یار با یاران دلسوز
 که دی رفت و نخواهد ماند امروز

این سنت دوره ساسانی در دربارهای بعد از اسلام نیز باقی ماند و شاعر در مجالس ممدوح، برخی از اشعار خود را با صدایی خوش همراه با ساز می خوانده است. این است که برخی از شاعران خود نوازندگی نیز می دانسته اند، چنان که رودکی گوید:^۳

رودکی چنگ برگرفت و نواخت
 باده انداز کو سرود انداخت

شاهنامه

پیوند ادبیات، موسیقی و نقاشی



دسته بلند) و هر: سرود و چکامه و نیز پتواژه گفتن و پای بازی کردن استاد مردم.»

در ارتباط با پتواژه تعبیر شده که: پاسخ گفتن به ساز است با شعر و آواز... و مفهوم این واژه نشانه‌ی پیوند تفکیک‌ناپذیر ساز و سخن در سراسر دوره پیش از اسلام می‌باشد. نظامی در اواخر کتاب خسرو و شیرین خاطره این خنیاگری‌ها و سرودهای خسروانی را در شکارگاه و مجلس خسرو و از زبان باربد و نکیسا و از زبان شیرین همراه با نوای چنگ و بربط آورده است:

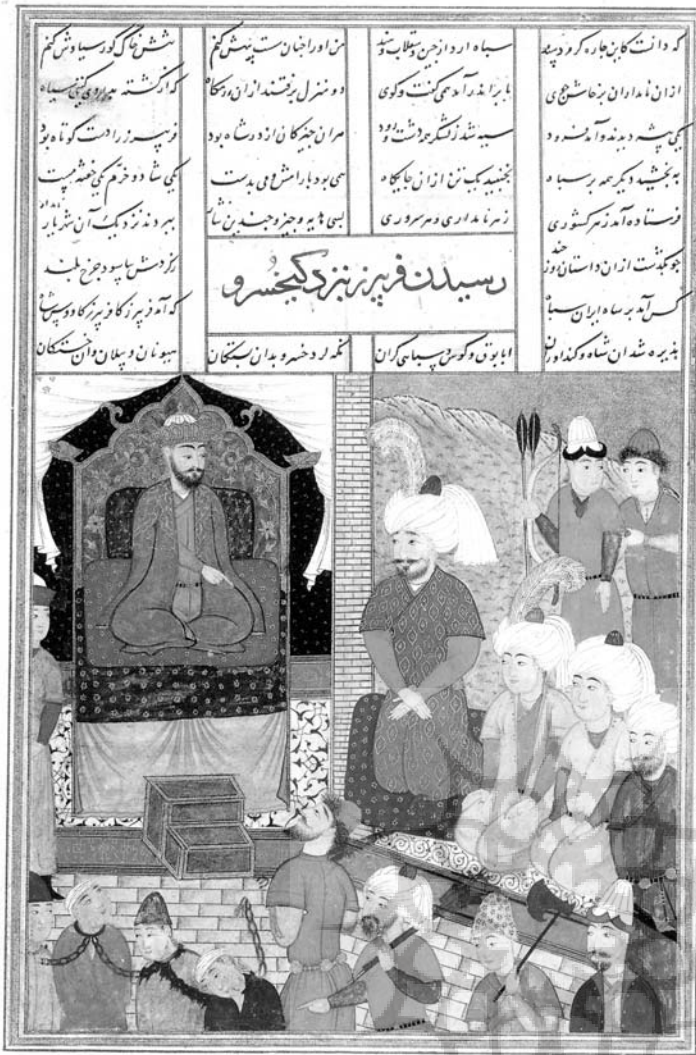
نکیسا بر طریقی کان صنم خواست
فرو گفت این غزل در پرده راست
مخسب ای دیده دولت زمانی
مگر از خوشدلی یا بی‌نشانی...

محققان و تذکره‌نویسان، عموماً «خسروانیات» یا «نواهای خسروانی» را نخستین نمونه‌های پیوند موسیقی با کلام دانسته‌اند، و گروهی نیز مشهورترین این آثار را «سی لحن باربد» نام برده‌اند.^۱

در کتاب تاریخ موسیقی نظامی ایران، اشاره شده که: «کوروش هنگام حمله به قشون آشور، بنا بر عادت خود سرودی آغاز کرد که سپاهیان با صدای بلند و با احترام و ادب زیاد آن را بخواندند.» مسلماً چنین سرودهایی حکایت از پیوند موسیقی و کلام دارد. اما به آسانی و سادگی نمی‌توان در خصوص پیوند موسیقی و کلام و سابقه تاریخی آن اظهارنظر نمود.

نمونه دیگر از متون کهن پارسی در ارتباط با موضوع، به زبان پهلوی و از زمان خسروپرویز ساسانی است. نام این گزارش «همپرسه خسروپرویز و ویسپوهر قبادی» است. در بند سیزدهم این متن از هنر موسیقی و شعر و رقص بدین سان یاد می‌شود. «به چنگ ون (نوعی چنگ سه‌گوش است) - بربط (= عود یا رود) تمبور (نوعی ساز رشته‌ای شبیه سه‌تار یا دوتار) کنار (نوعی بربط

بهترین نشانه‌ی رشد نقاشی در کتاب‌های دوره ایلخانان شاهنامه‌ی «دموت» است. تصاویر این شاهنامه در تاریخ نقاشی ایرانی مقامی بارز دارند. در آنها حرکت قوی، رنگ پر قدرت و ترکیب‌بندی موزون و پرتوانی وجود دارد که هیچ‌گاه نظیر آن‌ها پدید نیامده است. در این آثار خشونت خاصی وجود دارد که با نوع طراحی و رنگ‌های آن ملازمست



یکی از قدیمی‌ترین نسخ مصور شاهنامه در اختیار مؤسسه شرق‌شناسی «کاما» در هندوستان است که به نام شاهنامه کاما خوانده می‌شود و بنا به عقیده مهدی غروی و مرحوم استاد مجتبی مینوی مربوط به دوران سلجوقی است. اما این شاهنامه چون مصور است باید آن را با تنها شاهنامه مصور کهنه مقایسه کرد، یعنی شاهنامه تویق‌آبی‌سرای استانبول با ۸۹ مجلس که تاریخ کتابت آن سال ۷۳۱ ه. ق است.

صحنه‌های نقاشی این کتاب با مجالس شاهنامه کاما کاملاً قابل تطابق است و قدمت تصاویر کاما را با مقایسه با آن می‌توان ارزیابی کرد. در این تصاویر اثر نقاشی چینی محسوس است، در کلاه‌ها، لباس‌های رزم و کوه‌ها این اثر شدید است.^۵

در مقایسه بین نگاره‌های شاهنامه کاما و دو کتاب دیگری که مربوط به دوران سلجوقی است، یعنی اندرزنامه و ورقه و گلشاه به خوبی می‌توان سبک کار این نسخه شاهنامه را تشخیص داد. صورت‌سازی‌ها، تزیینات لباس و ترکیب افراد در کادر و کادر افقی تصویر و خصوصاً نوع خط - تمامی بر این نکته دلالت دارد که این نسخه کاما متعلق به دوران سلجوقی است.

بهترین نشانه‌ی رشد نقاشی در کتاب‌های دوره ایلخانان شاهنامه‌ی «دموت» است. از این نسخه تاکنون ۵۸ صفحه مینیاتور شناسایی شده که نشان می‌دهد این کتاب از بهترین نوع شاهنامه‌های نوشته شده می‌باشد.^۶ تصاویر این شاهنامه در تاریخ نقاشی ایرانی مقامی بارز دارند. در آنها حرکت قوی، رنگ پر قدرت و ترکیب‌بندی موزون و پرتوانی وجود دارد که هیچ‌گاه نظیر آن‌ها پدید نیامده است. در این آثار خشونت خاصی وجود دارد که با نوع طراحی و رنگ‌های آن ملازمست. در آنها از لطافت و ظرافت عالی کار که در اواخر قرن پانزدهم میلادی (نهم هجری) جلوه‌گاه قدرت نهفته نقاشان بوده، اثری نیست. (بینیون، ویلکینسون، گری. ترجمه محمد ایرانمنش، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ص ۳۶) شاهنامه دموت به احتمال قوی در سال ۷۲۰ هجری قمری در شهر تبریز استنساخ شده و تصاویر آن کار چندین نقاش است. گاهی چنین به نظر می‌رسد که دو نقاش بر سر یک مینیاتور با هم کار

کرده‌اند. تصاویر این نسخه جمعاً ۵۵ عدد و اغلب آنها نسبتاً بزرگ است که تنها یک برگ شناسایی شده از آن در موزه رضا عباسی در ایران نگهداری می‌شود. در شاهنامه دموت عناصر چینی و ایرانی در کنار یکدیگر ظاهر می‌شود. مناظر طبیعی که با رنگ‌های کم‌رنگ کشیده شده به سبک نقاشی چینی است، در حالی که تصاویر اشخاص و البسه و عمارات که با رنگ‌های پررنگ کشیده شده به سبک ایرانی است.

در دوره تیموری، بایسنقر میرزا (۸۳۷-۷۹۹ ه. ق) پسر شاهرخ یک کتابخانه و مدرسه فنون کتابت تأسیس کرد که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوشنویس و صحاف کار می‌کردند و در رأس آنها جعفر بایسنقری خطاط مشهور قرار داشت. و از جمله نقاشان این دوران می‌توان از امیرشاهی سبزواری و غیاث‌الدین نام برد. اگرچه نقاشان دربار به مصور ساختن شاهنامه ادامه می‌دادند، با این حال موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب می‌کرد، اشعار عاشقانه و مضامین عرفانی شعرای معروف ایران از قبیل نظامی و سعدی بود. مشهورترین شاهنامه‌ای که در کتابخانه بایسنقر به‌وجود آمد، خوشبختانه امروزه در کتابخانه کاخ گلستان در تهران نگهداری می‌شود. این شاهنامه که به نام شاهنامه بایسنقری معروف است دارای ۲۲ مجلس مینیاتور است که در سال ۸۳۳ هجری قمری به خط جعفر بایسنقری نوشته شده است. این شاهنامه با ۶۹۰ صفحه دارای ۱۲ صفحه تذهیب با رنگ‌های زیبا و معدنی و به خط نستعلیق است. این کتاب که شاهکار هنر مکتب هرات است با همکاری ماهرترین هنرمندان عصر از خطاط و نقاش و مصور و مذهب‌مانند: میرزا خلیل، جعفر بایسنقری، مولانا علی مصور، قوام‌الدین مجلد، خواجه

تصویرسازی کتب
پس از اسلام تحت
نفوذ هنر مانوی و
نسطوریان مسیحی
بامصورسازی
کتاب‌های علمی و
فنی و داستان‌های
کلیله و دمنه و مقامات
حریری در مکتب
بغداد در دوران
عباسی حرکتی
دوباره یافت



مخزن الاسرار حیدر خوارزمی، اثر رضا عباسی، مکتب اصفهان، ۱۰۲۴ هـ.ق.

پس از نظم شاهنامه در سال چهارصد هجری قمری (بنا به عقیده حبیب یغمایی) نسخ مختلف آن به تصویر کشیده شد و در دوران و حکومت‌های مختلف این کتاب مورد توجه بوده و استنساخ و مصور شده است، به همین جهت نیز تنها با بررسی نسخ مختلف شاهنامه می‌توان مکاتب مختلف و شیوه‌های گوناگون تصویرسازی شاهنامه را بررسی نموده و در این میان آگاهی در زمینه‌ی تصویرسازی رزمی نیز جایگاه خاصی دارد.

اساس تصویرگری در کتب ایرانی برپایه نقاشی مکتب مانوی استوار است و طرح و رنگ در نقاشی مانوی، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. تصویرسازی کتب پس از اسلام تحت نفوذ هنر مانوی و نسطوریان مسیحی بامصورسازی کتاب‌های علمی و فنی و داستان‌های کلیله و دمنه و مقامات حریری در مکتب بغداد در دوران عباسی حرکتی دوباره یافت.

پیش از فردوسی، مسعودی مروزی از شاعران اواخر قرن سوم و اوایل چهارم، نخستین کسی است که شروع به نظم روایات تاریخی و حماسی ایران کرد و شاهنامه منظومی پدید آورد: مطهر بن طاهرالمقدسی در کتاب البداء والتاریخ (سال ۳۵۵ هـ.ق) گوید: «ایرانیان این منظومه مسعودی مروزی (شاهنامه) را بزرگ می‌شمارند و تصاویری بر آن می‌افزایند و آن را به منزله تاریخ خویش تصور می‌کنند.»^۴

فردوسی خود در شاهنامه به بنای سیاوش گرد اشاره می‌کند که در آن تصاویر متعددی از بزرگان و مجالس نقش شده بود:

بر ایوان نگارید چندی نگار
ز شاهان و از بزم و از کارزار
نگار سرو تاج کاووس شاه
نگارید با یاره و گرز و گاه
بر تخت او رستم پیلتن
همان زال و گودرز و آن انجمن
ز دیگر سو افراسیاب و سپاه
چو پیران و گرسوز کینه‌خواه

باقی این غزل را ای مطرب ظریف
زینسان همی شمار که زین سانم آرزوست
و حتی در تقسیمات سه‌گانه موسیقی، موسیقی مذهبی، موسیقی رزمی و موسیقی بزمی نیز تکیه بر محتوای شعر است. ارتباط میان مضامین ادبی و هنرهای مختلف چون موسیقی، خوشنویسی، نگارگری و سایر رشته‌ها، سابقه‌ای چند هزار ساله دارد که برخی از این آثار بر لوح‌ها و مهرها برجای مانده است. بی‌شک شناخت رشته‌های مختلف پیوند ادبیات، نظم و نثر و نقاشی و خوشنویسی و کتاب‌آرایی پژوهشی وسیع را می‌طلبد. هنرهایی که در جهت هرچه بهتر بیان کردن مضامین متنوع ادبی و زیباسازی آن شکل گرفته و در برخی از رشته‌ها حتی از آن مایه می‌گیرد و سخن شاعر یا نویسنده را به زبان خط و رنگ مجسم می‌کند.

نقاشان و نگارگران در این میان بیشترین تأثیر و الهام را از مفاهیم ادبی گرفته‌اند و سعی نمودند تا نسخ خطی را هرچه زیباتر در معرض دید قرار دهند. نگارگر ایرانی در عرصه هنر کتاب‌آرایی رشد کرده و از این رو با نگارش‌گری پیوندی بی‌واسطه داشته است. هنر کتاب‌آرایی فقط به نگارش‌گری و نگارگری منحصر نمی‌شده، بلکه تذهیب‌کاری، جلدسازی، جدول‌کشی و... از عوامل مکمل یکدیگر در آرایش نسخه‌های خطی بودند.

در میان ادبیات ایران، شعر و در میان آثار باقی مانده از شعرای مختلف، شاهنامه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، آنچنان که شاید به تنهایی با تمام نسخ مصور دیگر در طول سده‌های متمادی برابری کند.

توجه نقاشان درباری به چاپ سنگی، تصاویر چاپ سنگی متأثر از نقاشان دوره دوم قاجار را تشکیل داد. چهره‌های سه رخ، چشمان درشت، ابروهای پیوسته، کمر باریک و لباس بلند قاجاری مردان و دامن بلند زنان و صورت‌های بی‌تفاوت و بی‌تحرك در حال انجام هر کاری، از مشخصات رنگ و روغن‌های

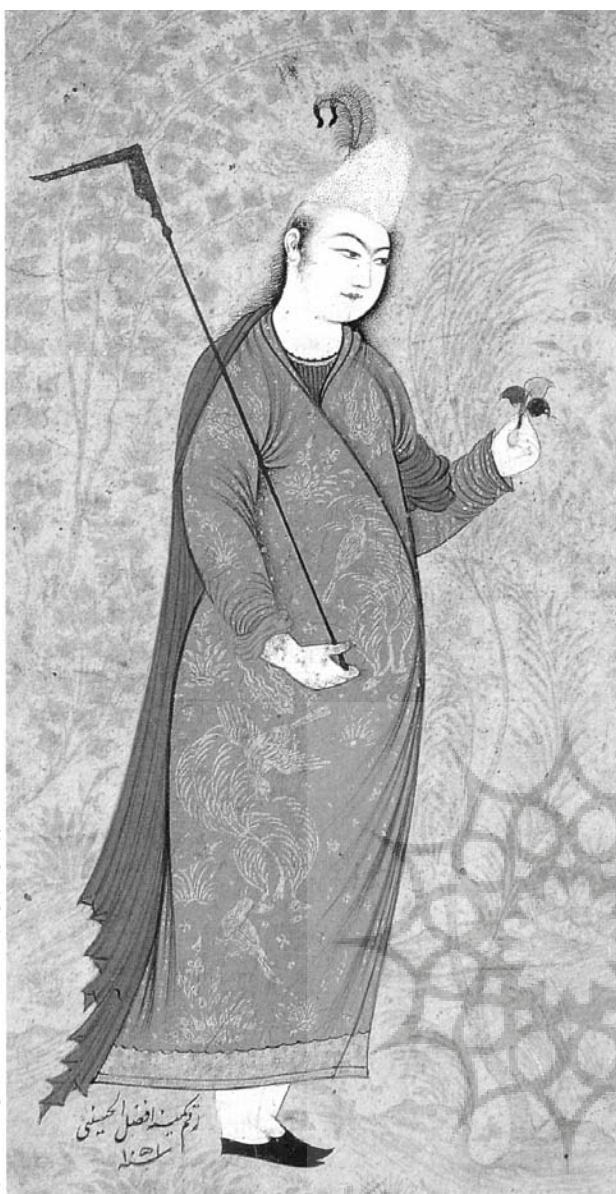
قاجاری است

«فتح نامه» در باب جنگ‌های ایران و روسیه را در آنجا طبع کرده‌اند. این چاپخانه در تبریز تا سال ۱۲۴۵ هجری قمری دایر بوده است. نخستین چاپخانه در تهران در سال ۱۲۳۹ دایر می‌شود که حروف سربی در آن به کار برده می‌شده و کتاب «محرق القلوب» از آثار آن است. نخستین کتاب چاپ سنگی تهران نیز «تاریخ معجم» است که در ۱۲۵۹ چاپ شده است.

کتاب‌های فارسی پیش از اینکه در ایران به طبع برسد در ممالک هندوستان، عثمانی، مصر و شهرهای اروپا به چاپ می‌رسید. در هندوستان توسط مأمورین انگلیسی مقیم کلکته نخستین چاپخانه برای طبع کتب فارسی در سال ۱۲۲۵ دایر گردید.

اولین شاهنامه چاپ سنگی در سال ۱۸۱۱ و در کلکته چاپ شد. در سال ۱۸۴۹ میلادی شاهنامه‌ای به خط نستعلیق و مصور به اهتمام، آقا محمد باقر صاحب تاجر شیرازی در بمبئی طبع شد. پنج سال پس از آن شاهنامه معروف به خط «آقابابا» در بمبئی انتشار یافت. یک سال پس از آن شاهنامه بسیار معروف خط «اولیا سمیع» یعنی «محمد ابراهیم شیرازی مشهور به آقا» در همان شهر و در کارخانه «عبدالغفور» به طبع رسید. چاپ اولیاء سمیع مصور و شش ستونی و به قطع رحلی بزرگ است و طبق نوشته‌ای حاوی رقم کاتب است: «حسب الفرمایش... عمده الاعاظم و الاعیان... آقا محمد باقر صاحب تاجر شیرازی به خط و دقت اقل خلق الله محمد ابراهیم الشهیر، آقا خلف مرحمت و غفران پناه - محمدحسین خان اولیاء سمیع شیرازی در بندر معموره بمبئی و در کارخانه استاد المطبعین و المترسمین عبدالغفور مشهور به داد و عیان ابن محمدبن عبدالله دهایی، در جمادی الثانیة ۱۲۷۲ به انجام رسید.

در شهرهای هند چاپخانه‌های متعدد تأسیس و بسیاری از آنها اقدام به چاپ کتاب‌های فارسی نمودند، از جمله چاپخانه قیمیه نیز در سال ۴۰ - ۱۸۳۰ توسط شرف‌الدین و فرزندانش در بمبئی تأسیس شد. این چاپخانه توانست آثار مهمی از نویسندگان و شعرای مهم ایران از جمله فردوسی، انوری، مولوی،



درویش جوان سرتم افضل، مکتب اصفهان، ۱۰۵۱ ه.ق.

ناصرخسرو، جامی و قائلی را به چاپ برساند. کارهای این مؤسسه بسیار مرغوب و زیبا بود و حروف را اختصاصاً در هند تهیه می‌کردند.

آخرین طبع هند ظاهراً موردی است که توسط «آموزنده شیرمرد ایرانی» در سال ۱۹۲۴ در بمبئی از روی طبع اولیا سمیع به چاپ رسیده است.

قدیمی‌ترین قسمتی که از شاهنامه به طور مستقل در اروپا به طبع رسیده منتخباتی است که توسط «هاگمن» در ۳۲ صفحه به سال ۱۸۰۱ میلادی در «گوتینگن» طبع شد. تا اینکه «ماتیو لمسدن» از معلمین انگلیسی زبان‌های عربی و فارسی مدرسه «فور ویلیام» کلکته در سال ۱۸۱۱ نخستین جلد شاهنامه را به حروف سربی درشت و به خط نستعلیق در ۷۲۲ صفحه رحلی با مقدمه مشروح انگلیسی به چاپ رسانید. اشاره‌ای که به نستعلیق بودن حروف سربی متن شد از این باب است که این نوع حروف فقط مدت کوتاهی مورد علاقه در چاپ متن عربی و فارسی واقع شد و کتاب‌های معدودی در کلکته و استانبول و قاهره با این نوع حروف سربی به چاپ رسید.

سه سال بعد از نشر این قسمت از شاهنامه، داستان رستم و سهراب توسط «آکینسون» که او هم از خاورشناسان مقیم هند بود در سال ۱۸۱۴ در کلکته در ۲۶۷ صفحه و ۲۵ صفحه مقدمه انگلیسی به همان حروف سربی خط نستعلیق و ترجمه انگلیسی متن به چاپ رسید. از اختصاصات این چاپ مصور بودن آن است و نقاشی‌های مندرج در آن ترکیبی بود از شیوه مرسوم مجالس

اساس
تصویرگری در
کتب ایرانی برپایه
نقاشی مکتب
مانوی استوار
است و طرح و
رنگ در نقاشی
مانوی، نقش
برجسته‌ای ایفا
می‌کند



مخزن الاسرار جیدر خوارزمی، اثر رضا عباسی، مکتب اصفهان، ۱۰۳۴ هـ.ق.

صفحه آن تقریباً ۳۱/۵×۴۶ سانتی‌متر طول و عرض دارد. سطح نوشته ۳۱/۵ × ۱۸/۵ سانتی‌متر است و متن اشعار به خط خوش نستعلیق درشت در چهار ستون ۳۲ سطری تحریر شده است.

نقاشی‌ها هم به همان اندازه بزرگ و مجلل‌اند. از این نسخه ۵۳ نگاره شناخته شده است که جمعاً وقایع شاهنامه را تا پادشاهی اسکندر تصویر می‌کنند که تعدادی از این نگاره‌ها در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می‌شود.

با آمدن صنعت چاپ به ایران، کتاب‌های کمتری دست‌نویس و نقاشی شدند. تغییرات سریع نقاشی تابلو در رسیدن به عین طبیعت، در تصویرگری کتاب تغییرات کندتری داشته و مصور کردن کتاب‌های چاپی در میان هنرمندان مورد توجه قرار گرفت. اگر چه می‌دانیم که در عهد صفویه در جلفای اصفهان ماشین چاپ آورده شده بود و آرامنه نیز چند جلد کتاب با آن طبع کرده‌اند که اینک در موزه کلیسای جلفا موجود است.

اما صنعت چاپ برای کتب فارسی و عربی در ایران مربوط به دوران ولایت عهدی عباس میرزا نایب‌السلطنه است. قدیمی‌ترین کتابی که به زبان فارسی در جهان به طبع رسیده است مطابق آنچه تاکنون به نظر رسیده، دو کتاب است به نام‌های «داستان مسیح» و «داستان سن پیدرو» که هر دو با ترجمه لاتین در سال ۱۰۹۴ هجری قمری در شهر لندن چاپ شده‌اند.^۸

چاپ سنگی پس از چاپ سربی اختراع شده است، زیرا چاپ سنگی با پیشرفت و تکامل علم شیمی اختراع و تکمیل شده، در حالی که چاپ سربی (چاپ با حروف مجزا) قرن‌هاست که اختراع شده است. نخستین کتاب با حروف مجزا (سربی) در سال ۸۶۸ میلادی در چین به چاپ رسید، در حالی که نخستین کتاب با تکنیک شیمیایی (چاپ سنگی) در سال ۱۷۷۱ میلادی زیر چاپ رفت.^۹

نخستین چاپخانه فارسی که در ایران دایر شد چاپخانه سربی بوده است که در حدود سال ۱۲۲۷ توسط «میرزا زین‌الدین» به ایران آمد و رساله‌ای به نام

غیاث‌الدین، احمد رومی، سیف‌الدین، معروف نقاش، پاینده درویش و... پدید آمده است.^۷

در دوره صفوی یکی از مهم‌ترین نسخ شاهنامه در دوره صفوی، نسخه‌ی مشهور به شاهنامه شاه طهماسبی است که اکنون بخشی از تصاویر آن در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود. این شاهنامه نیز چون در اختیار «آرتور هوتون» بوده به شاهنامه هوتون هم معروف شده است. دستور کتابت این شاهنامه احتمالاً در زمان ولیعهدی طهماسب میرزا و از جانب پدرش به نام وی صادر شده است که در آن قلم نقاشان کارگاه تبریز قابل تشخیص است. این نسخه علاوه بر نفاست و زیبایی از این لحاظ اهمیت دارد که کوشش نقاشان تبریز برای تشکیل شیوه جدید و ابداع اسلوب‌های خاص‌شان را نشان می‌دهد. علی‌رغم ناهماهنگی کیفیت هنری آثار، به دلیل تعدد نقاشان، تداوم نقاشی اواخر سده‌ی نهم را می‌توان در آنها بازشناخت.

شاه اسماعیل دوم با رسیدن به قدرت تصمیم گرفت که اعتبار گذشته را تجدید کند و از این رو به گردآوری کارکنان لایق برای کتابخانه همت گماشت. کشتار بی‌رحمانه برادران و عموزادگان به دست وی که ابراهیم میرزا نیز در میان آنها بود او را صاحب ذخایر هنری آن شاهزاده کرد. وی دستور داد یک نسخه‌ی بزرگ شاهنامه تهیه شود که اکنون به صورت تعدادی از نگاره‌های پراکنده باقی است. بعضی از این نگاره‌ها به نام نقاشانی است که در آن زمان معروف بوده‌اند چون، سیاوش بیگ گرجستانی و صدیقی. شاهنامه شاه اسماعیل دوم با تاریخ ۹۸۸ هجری قمری، کارهایی از هنرمندان برجسته مکتب قزوین را نشان می‌دهد. این نسخه خطی از چندین جهت درخور تأمل و نگرش است. پیش از هر چیز اندازه بزرگ این نسخه جلب نظر می‌کند. هر



○ سرگذشت پیانو
○ هارولد شوئنبرگ
○ ترجمه پرتو اشراق
○ نشر ناهید، زمستان ۱۳۸۱

پیانو، سازی که به لحاظ ساختار چندوجهی و دارا بودن تمامی گام‌های موسیقی، زمانی که به شکل رسمی ظهور کرد، توانست کیفیت موسیقی را از درون و برون دچار تحول سازد و تغییر دهد. هنگامی که این ساز در نیمه‌ی قرن هجدهم میلادی در حوزه موسیقی ابراز وجود کرد، نگرش و درک آهنگساز را تغییر و بر ارکستراسیون، هارمونی، رنگ‌آمیزی و تصنیف و اجرای آثار تأثیری چشمگیر نهاد و به دنبال آن تحولی همه‌جانبه را در موسیقی ایجاد کرد. سازی که با حضورش، موسیقی اروپا دچار تغییر اساسی گردید، و به‌ویژه در رابطه با آهنگسازی و رنگ‌آمیزی گامی بلند به سمت تکامل آهنگین و نفوذ احساس و ادراک در بطن موسیقی برداشته شد.

شوئنبرگ که جایزه بولیتزر را به لحاظ نقد هنری در سال ۱۹۷۱ به خود اختصاص داد، در کتاب تحقیقی‌اش «سرگذشت پیانو» که بر مبنای مدارک و اسناد و تحقیقات فراوان تالیف گردیده نه‌تنها از ظهور و بروز پیانو سخن می‌گوید، بلکه به سرگذشت‌های خواندنی از رابطه‌ی عجیب بزرگترین نوازندگان تاریخ موسیقی با این ساز می‌پردازد.

وی از سال ۱۹۵۷ منتقد برجسته موسیقی در نیویورک تایمز به شمار می‌رفت. از سال ۱۹۸۰ خبرنگار فرهنگی به عنوان آثار ارزشمندی چون «رهبران بزرگ»، «زندگی آهنگسازان نامی» و «جهان موسیقی» را به نگارش درآورد. کتاب سرگذشت پیانو یکی از مهم‌ترین تالیفات دنیای موسیقی است که از موزار شروع می‌شود و به وان کلیبرن خاتمه می‌یابد.

کتاب دارای ترجمه‌ای روان، با صحافی و جلدآرایی مناسب و با توجه به نبود کتاب‌های تأمل‌برانگیز و جدی در عرصه‌ی موسیقی، غنیمتی است برای علاقه‌مندان موسیقی هنری و کلاسیک.

مقابل حفظ ترکیب‌بندی سنتی، تصاویر گوناگون این گروه را به نسبت‌های مختلف به طبیعت نزدیک کرده است.

توجه به گل و درخت به شکل طبیعی، نشانه گرایش به طبیعت‌سازی در تصاویر چاپ سنگی این دوره است. به کار گرفتن رنگ در تصاویر چاپ سنگی که با دست رنگ‌آمیزی می‌شده است و توجه بیشتر به ایجاد بعد بر اهمیت خطوط و سایه‌های این تصاویر افزوده است.

کتاب سنگی را در ایران عملاً بیش از هفتصد، هشتصد، نسخه چاپ نمی‌کردند، چرا که سنگ بیش از این قابلیت چاپ استنساخ نداشته است.

خطی که در نوشتن کتاب برای چاپ سنگی به کار می‌رفت بیشتر خط نسخ و نستعلیق و گاهی شکسته بود. کاغذی که برای چاپ استفاده می‌شد غالباً کاغذ روسی و روزنامه مانند بود و گاه هم کاغذهای فرنگی دیگر که از طریق خلیج فارس وارد می‌شد به کار می‌رفت. استفاده از کاغذ آبی رنگ در بعضی از کتاب‌ها که می‌خواستند صورت تزئینی داشته باشد مورد پیدا می‌کرد، نظیر منتخب دیوان کبیر شمس که به نام «شمس الحقائق» (طهران ۱۲۸۰) طبع شده است. و نیز مرسوم بود که در طبع بعضی از کتاب‌های رنگارنگ به کار برند، یعنی چند صفحه را به یک رنگ خاص چاپ می‌کردند، نظیر دیوان انوری که در سال ۱۲۶۴ در دارالطباعه دارالسلطنه تبریز طبع شده است و ده رنگ کاغذ در آن به کار برده شده است.

سومین شاهنامه چاپ ایران نیز کار کاتبان و استادان دارالطباعه‌ای در تبریز است. این شاهنامه به خط «محمد علی دلخون» فرزند «محمد جواد تبریزی» است و به سعی «حاجی علی آقا» به سال ۱۳۱۶ هجری قمری در دارالطباعه «استاد علی» به چاپ رسیده و مثل اغلب شاهنامه‌هایی که تا آن روزگار مطلوب بود که به قطع رحلی باشد برای انتشار در یک مجلد، بدان قطع بزرگ است.

چهارمین شاهنامه‌ی چاپ ایران که در زمان انتشار از شهرتی ویژه برخوردار گردید، شاهنامه‌ای است که به دستور «حسین پاشاخان»، امیربهدار جنگ تهیه و چاپ شد. تهیه این شاهنامه که به قطع سلطانی یعنی به اندازه تقریبی روزنامه‌های کنونی بود چهار سال (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶) قمری زمان گرفت و به همین جهت برعکس مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه مصور است و در انتهای آن تصویر امیربهدار آمده است. مقدمه کتاب نوشته شاعر معروف، محمد صادق امیری فراهانی، ملقب به ادیب‌الممالک است. نسخه به خط خوشنویس معروف مرحوم عمادالکتاب است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ملاح، حسینعلی. پیوند موسیقی و شعر، نشر فضا، ۱۳۶۷، ص ۹۸.
- ۲- سه‌تار
- ۳- شمیسا، سیروس. سیر غزل در شعر فارسی، انتشارات فردوسی، ص ۳.
- ۴- معروف، حبیب. به دفتر نگارید چندی نگار، نشر دانش، خرداد و تیر ۶۹، شماره ۴، ص ۳۴.
- ۵- غروی، مهدی. شاهنامه فردوسی حماسه جهانی، مجموعه سخنرانی‌های دومین جشن طوس، سروش، ص ۵۰.
- ۶- دوری، جی، کارل. هنر اسلامی، انتشارات یساولی، ص ۱۸۴.
- ۷- عبدالحی، حبیبی. هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴۴۹.
- ۸- افشار، ایرج. کتاب‌های قدیم در ایران و چاپ کتاب‌های فارسی در جهان، هنر و مردم، شماره ۴۹، ص ۲۶.
- ۹- غروی، مهدی. کتاب‌های فارسی چاپ هند و تاریخچه آن، هنر و مردم، شماره ۱۰۲ و ۱۰۱، ص ۲۶.
- ۱۰- هنر و مردم، شماره ۱۶۲، صفحه ۲۷.
- ۱۱- هنر و مردم، شماره ۱۶۲، ص ۳۳.



چهره‌های سه رخ،
چشمان درشت،
ابروهای پیوسته، کمر
باریک و لباس بلند
قاجاری مردان و دامن
بلند زنان و صورت‌های
بی تفاوت و بی تحرک در
حال انجام هر کاری، از
مشخصات رنگ و
روغن‌های قاجاری
است

شاهنامه‌های چاپی ایران و هند هم به نفقه و سفارش تاجران به طبع رسیده است. شاهنامه حاجی عبدالمحمد رازی مصور و بعضی از مجالس آن دارای رقم «میرزا علیقلی خوبی» از صورتگران مجلس‌ساز آن قرن است.

دومین شاهنامه‌ی ایران که به چاپ زیبای سنگی است به خط نستعلیق مشهور «عسگر اردوبادی» است. این چاپ از چاپ‌های کارخانه مشهور «حاجی آقاست» و در سال ۱۲۷۵ هجری در تبریز طبع شده است. ناشرش نوشته است که آن را از روی چاپ ترنر ماکان و مقابله با شش نسخه دیگر نوشته و طبع کرده است. این شاهنامه مصور و شش ستونی و با جدول‌بندی است و مخصوصاً از حیث هنر نقاشی قابل توجه است.

تصاویر کتاب‌های چاپ شده در ابتدای پرداختن به چاپ مصور، از نظر طراحی اشخاص و تا حدودی ترکیب‌بندی شبیه به رنگ و روغن‌های دوره اول قاجار است. در تصاویر کتاب‌های مختلف این گروه، اختلاف زیادی در ضعف و قدرت کار نقاش مشاهده می‌شود. پرداختن به تصاویر چاپ سنگی با احتیاط و محافظه‌کاری و تعداد کم تصویر در کتاب به وسیله نقاشان گمنام شروع شد، سپس در میان نقاشان برجسته‌تر پذیرفته شد. توجه نقاشان درباری به چاپ سنگی، تصاویر چاپ سنگی متأثر از نقاشان دوره دوم قاجار را تشکیل داد. چهره‌های سه رخ، چشمان درشت، ابروهای پیوسته، کمر باریک و لباس بلند قاجاری مردان و دامن بلند زنان و صورت‌های بی تفاوت و بی تحرک در حال انجام هر کاری، از مشخصات رنگ و روغن‌های قاجاری است که در این گروه از تصاویر، مشاهده می‌شود. تعداد زنان تصاویر چاپ سنگی بسیار کم است و کمتر در حالات غیرمعمول و بیشتر به صورت عادی تصویر شده‌اند. تزیینات در تصاویر چاپ سنگی نسبت به رنگ روغن‌های قاجاری بسیار کم‌تر شده و در مواردی تقریباً از بین رفته است.

تغییر و تحول، رعایت پرسپکتیو صحیح و ایجاد بعد بیشتر در فضا، در

شاهنامه‌های خطی با تصرفاتی فرنگی.

طبع دوره کامل شاهنامه براساس نسخه‌های معتبر و رعایت نسبی اصول نسخه‌شناسی نخستین بار توسط یک صاحب منصب نظامی انگلیسی موسوم به «ترنر ماکان» که در هند خدمت می‌کرد انجام شد. او خود در صفحه عنوان فارسی کتاب به سیاق عنوان‌گذاری مرسوم نزد شرقیان نوشت: «کم‌ترین بندگان آن بی‌نشان و لامکان کپتان ترنر ماکان با نسخ متعدد قدیم و معتبر مقابله و تصحیح یافته مع فرهنگ الفاظ نادر و اصلاحات غریب و احوال آن سخن سنج فصیح و ادیب به دارالحکومه کلکته به قالب طبع درآمده.» و در ذیل صفحه عنوان دو بیت در مدح فردوسی آمده است.

شاهنامه ترنر ماکان که در چهار مجلد به سال ۱۸۲۹ انتشار یافت، اولین چاپ کامل و معتبری بود که در دسترس قرار می‌گرفت و بعدها منبع و مرجع چاپ‌های متعدد هند و ایران شد.^{۱۱}

شاهنامه در ایران اول بار در محرم سال ۱۲۶۷ هجری قمری در تهران به خط نستعلیق و چاپ سنگی و قطع رحلی در ۵۹۵ ورق چاپ شد. این چاپ «حسب الفرمایش حاجی محمدحسین تاجر طهرانی علی ید مصطفی قلی بن مرحوم محمد هادی سلطان کجوری بلده‌ای... در چاپخانه مبارکه‌ی صنعت دستگاهی استاد الاسانید سرکار با اقتدار فی فن الشریف الحاج و المتعمدین عبدالمحمد رازی» تهیه شده است. چون در آن ایام کتابفروشان بضاعتی نداشتند و نشر کتب مهم به سرمایه‌ی تجار معتبر انجام می‌شد، بسیاری از